



نشریه علمی علم و تمدن در اسلام

سال هفتم / شماره بیست و هشتم / تابستان ۱۴۰۵



doi: 10.22034/icrs.2025.536285.1385

بازخوانی مطالعات معاصر درباره انگیزه‌های تأسیس مدارس نظامیه

نرگس تنهائی^۱ مهدی مجتهدی^۲

چکیده

تأسیس مدارس نظامیه توسط نظام‌الملک توسی، وزیر قدرتمند سلجوقی، نقطه عطفی در تاریخ آموزش عالی در جهان اسلام به شمار می‌رود. انگیزه‌های نظام‌الملک از این اقدام همواره موضوع بحث پژوهشگران معاصر بوده است. نظرات آنان را می‌توان در قالب دو رویکرد اصلی طبقه‌بندی کرد که اغلب در راستای یکدیگر تلقی می‌شوند. نخست رویکرد تقابلی و نظریه مشهوری که تأسیس این مدارس را اقدامی می‌داند در واکنش به قدرت‌یابی فکری و سیاسی شیعیان، به‌ویژه اسماعیلیان ایران و فاطمیان در مصر و تأسیس نهاد علمی برجسته آنان، جامع الأزهر. بر این اساس، انگیزه اصلی، ترویج تسنن و مقابله با نفوذ تشیع بود. دیگر رویکرد هویتی که بر اهداف داخلی و دولتی تأکید دارد و معتقد است سلجوقیان برای اداره امپراتوری خود نیازمند دستگاه دیوان‌سالاری کارآمد و وفادار بودند. از این رو نظامیه‌ها با هدف تربیت کادر اداری و قضایی همسو با سیاست‌های دولت و تحکیم پایه‌های آن، همچنین ایجاد وحدت مذهبی در لوای مذهب شافعی و مشروعیت‌بخشی به حکومت سلجوقی تأسیس شدند. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با نگاهی انتقادی، به بازخوانی این دورویکرد می‌پردازد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که نظریه مشهور، یا همان رویکرد تقابلی با شیعیان، هم فاقد شواهد تاریخی است و هم مستنداتی به وضوح در تناقض با آن وجود دارد. از سوی دیگر، رویکرد هویتی با گزارش‌های موجود تطابق بیشتری دارد و انگیزه نظام‌الملک را باید در این رویکرد جستجو کرد.

واژه‌های کلیدی: نظام‌الملک توسی، سلجوقیان، مدارس نظامیه، شافعیان، شیعیان.

۱. دکترای تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

Se.tanhaee@mail.um.ac.ir

۲. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده

Mmojtahedi@um.ac.ir

(مسئول)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۷ نوع مقاله: پژوهشی (۳۶-۱۰)

A Rereading of Contemporary Studies on the Motivations for the Establishment of the Nizamiyya Schools

Narges Tanhaee¹ | Mahdi Mojtahedi²

Abstract

The establishment of the Nizamiyya schools by the powerful Seljuk vizier, Nizam al-Mulk al-Tusi, represents a landmark in the history of higher education in the Islamic world. The vizier's motivations are a subject of scholarly debate, generally classified into two main perspectives. The first, a confrontational approach, is the well-known theory that the Nizamiyyas were founded in reaction to the rising intellectual and political power of Shi'i groups, particularly the Ismailis and the Fatimids in Egypt with their prominent institution, Al-Azhar. This view holds that the primary goal was to promote Sunnism and counter Shi'i influence. The second, a state-building perspective, emphasizes the Seljuk empire's internal needs. It argues that the schools were created to train an efficient and loyal bureaucracy of administrative and judicial personnel. This would consolidate the state, create religious unity under the Shafi'i school, and legitimize Seljuk rule. This research, using a descriptive-analytical method, critically re-examines both theories. The analysis concludes that the confrontational theory lacks historical evidence and is contradicted by existing documents. In contrast, the state-building approach aligns more closely with historical records and provides a more accurate explanation of Nizam al-Mulk's motivations.

Keywords: Nizam al-Mulk Tusi, Nizamiyya Schools, Saljuqids, Shafi'is, Shiites.

1. Ph.D. in History and Civilization of Muslim Societies, Faculty of Theology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

2. Assistant Professor, Department of History and Civilization of Muslim Societies, Faculty of Theology, Ferdowsi university of Mashhad, Mashhad, Iran. (Corresponding Author)

مقدمه

در قرن پنجم هجری، نظام آموزشی جهان اسلام با ظهور مدارس نظامیه تحولی بنیادین را تجربه کرد. این نهادهای علمی که به همت نظام‌الملک توسی پایه‌گذاری شدند، نه تنها به مراکز آموزشی بلکه به کانون‌های اصلی تولید و انتشار دانش در شرق جهان اسلام تبدیل گردیدند. نظام‌الملک در نخستین سال‌های وزارت خود، تأسیس این مدارس را به عنوان یکی از وظایف حکومتی پیگیری کرد و در این زمینه پیشگام بود. پژوهشگران معاصر با بررسی زندگی و اقدامات خواجه، انگیزه‌های متعددی برای تأسیس نظامیه‌ها برشمرده‌اند که عمدتاً در دو رویکرد کلی قابل طبقه‌بندی است: رویکرد تقابلی (شامل مقابله با فاطمیان و الأزر مصر، رویارویی با اسماعیلیان ایران و مخالفت با شیعیان) و رویکرد هویتی (شامل تربیت کارگزاران سیاسی، ایجاد وحدت مذهبی در لوای مذهب شافعی و مشروعیت‌بخشی به حکومت سلجوقی). با این حال، بررسی منابع دست‌اول دوره سلجوقی نشان می‌دهد که به سختی اشاره مستقیمی به انگیزه‌های خواجه از تأسیس این مدارس می‌توان یافت. بنابراین به نظر می‌رسد تفسیرهای معاصر بیشتر بر اساس درک پژوهشگران از شرایط سیاسی - مذهبی آن دوره شکل گرفته‌اند تا مستندات تاریخی صریح.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش مستقلی که به طور نظام‌مند به بازخوانی دیدگاه‌های معاصر درباره انگیزه‌های تأسیس نظامیه‌ها بپردازد، وجود ندارد. این مقاله به عنوان نخستین گام در این زمینه، با روشی انتقادی و با استناد به شواهد تاریخی، به بررسی دیدگاه‌های موجود پرداخته است. پژوهشگران معاصر با بررسی زندگی و اقدامات خواجه، انگیزه‌های متعددی برای تأسیس نظامیه‌ها برشمرده‌اند. در گام نخست، این پژوهش‌ها مورد واکاوی دقیق قرار گرفت و انگیزه‌های مطرح شده از سوی آن‌ها در دو گروه کلی طبقه‌بندی شد که در این پژوهش از آن با اصطلاح رویکرد یاد می‌شود. نخست رویکرد تقابلی که شامل مقابله با فاطمیان و الأزر مصر، رویارویی با اسماعیلیان ایران و مخالفت با شیعیان است و سپس رویکرد هویتی که شامل تربیت کارگزاران سیاسی، ایجاد وحدت مذهبی در لوای مذهب شافعی و مشروعیت‌بخشی به حکومت سلجوقی است. ابتدا هر دو رویکرد با زیرمجموعه‌های آن و مستند به پیشینه‌های موجود، مورد

بررسی قرار می‌گیرد. سپس نقدهای کلی به این مطالعات در قالب سه بخش مطرح می‌شود که عبارتند از نبود شواهد در منابع کهن، گزارش‌های متضاد و استناد به متن سیاست‌نامه برای اثبات انگیزه‌های مطرح شده در مطالعات معاصر. در ادامه انگیزه‌های مطرح شده به صورت جزئی و به این ترتیب مورد نقد قرار گرفته‌اند: ابتدا تقابل نظامیه‌ها با فاطمیان مصر، سپس تقابل آن با اسماعیلیان ایران و سرانجام تقابل با شیعیان. مورد اخیر در قالب نقد استناد به سیاست‌نامه و تناقض‌های تاریخی نشان می‌دهد که نظریه مشهور، یا همان رویکرد تقابلی نظام‌الملک با شیعیان به عنوان انگیزه‌ای برای تأسیس مدارس نظامیه، هم از شواهد تاریخی کافی برخوردار نیست و هم در تناقض آشکار با مستندات تاریخی است. از آن سو، رویکرد هویتی یا همان کادرسازی، وحدت مذهبی و مشروعیت‌بخشی، با گزارش‌های موجود تطابق بیشتری دارد و انگیزه نظام‌الملک از تأسیس مدارس نظامیه را به خوبی توضیح می‌دهد.

۱- انگیزه‌های مشهور درباره تأسیس مدارس نظامیه

مرور مطالعات معاصر نشان می‌دهد که انگیزه‌های مطرح شده برای تأسیس نظامیه‌ها عمدتاً در دو حوزه قابل طبقه‌بندی هستند:

۱-۱- رویکرد تقابلی

منظور از رویکرد تقابلی در این مقاله، مجموعه‌ای از اقداماتی است که پژوهشگران معتقدند نظام‌الملک در جهت مقابله با تهدیداتی صورت داده است که از سوی دشمنان حکومت سلجوقی و مذهب اهل سنت متوجه این حکومت بود. از میان انگیزه‌های مطرح شده می‌توان به مقابله با تهدیدات فاطمیان مصر از طریق جامع الأزهر، تهدیدات اسماعیلیان ایران و شیعیان اعم از امامیه و غیر آن اشاره کرد که رویکرد خواجه در برابر آنها تقابلی بوده است.

۱-۱-۱- مقابله با فاطمیان مصر با تأکید بر الأزهر

یکی از رایج‌ترین انگیزه‌های مطرح شده در مطالعات معاصر راجع به تأسیس مدارس نظامیه، مقابله با فاطمیان مصر و با تأکید بر جامع الأزهر است. این جامع، مرکز آموزشی و تبلیغاتی فاطمیان در مصر بود که در سال ۳۵۹ ق/ ۹۶۹ م جوهر - سپهسالار فاطمی - بنای آن را آغاز کرد و در سال ۳۶۱ ق/ ۹۷۱ م عملاً شروع به فعالیت نمود (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۴: ۵۱؛ سیوطی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۲۲۱). یکی از

پژوهشگران پیشرو فارسی زبان در باب نظامیه‌ها، تأسیس نظامیه بغداد را یکی از مظاهر اختلاف و رقابت بین شیعه و سنی دانسته است (کسائی، ۱۳۷۴: ۷۹). او مهم‌ترین انگیزه نظام‌الملک را از تأسیس این گونه مدارس، احساس خطر از رواج روزافزون تبلیغات دانش‌آموختگان جامع الأزهر فاطمیان در مصر عنوان کرده است (کسائی، ۱۳۸۳: ۴۳۰). به گفته وی الأزهر بزرگ‌ترین مؤسسه علمی و مذهبی پیش از نظامیه بغداد بوده و هدف اصلی از تأسیس آن ترویج علوم دینی و اشاعه شعائر مذهبی اسماعیلیان بوده است. توفیق این مرکز در امر تبلیغ و اشاعه مذهب اسماعیلی، خواجه را برآن داشت تا با تأسیس مدارس نظامیه و تقویت اهل سنت در قبال فرقه‌های شیعه بویژه اسماعیلیان مصر به رقابت با الأزهر بپردازد (کسائی، ۱۳۷۴: ۷۹) و با اختصاص امکانات وسیع و گسترده ساختمانی و تأمین مسکن و تهیه خوراک و امکانات زندگی شبانه روزی برای استادان و دانشجویان در این مدارس، جامع الأزهر مصر را تحت الشعاع قرار دهد (کسائی، ۱۳۸۳: ۴۳۰).

برخی با قطعیت تمام، انگیزه خواجه را مقابله با برنامه گسترده و تدابیر اساسی و حساب شده فاطمیان، می‌دانند که برای محو کلیه آثار و عوارضی که از تبلیغات آنان ناشی شده بود، برنامه‌هایی وسیع و نقشه‌هایی نظیر همان برنامه‌ها باید طرح‌ریزی می‌شد و با آموزش‌های قابل ملاحظه به مرحله اجرا درمی‌آمد (غنیمه، ۱۳۷۷: ۱۱۶). حتی جریان اسکان طلاب در مدارس نظامیه نیز در جهت مقابله با اقدامات مشابه فاطمیان دانسته شده است (غنیمه، ۱۳۷۷: ۳۴۱). لمبتون هم از مدارس نظامیه به عنوان مراکز آموزش مذهب رسمی سنت یاد کرده و آنها را نقطه مقابل دارالحکمه مصر که مرکز تبلیغ شیعه بود قلمداد کرده است (لمبتون، ۱۳۸۵: ۲۱۱).

گسترش و بالاگرفتن کارکرد آموزشی جامع الأزهر و ضرورت مقابله با تأثیرات فکری آن، هدف دیگری است که برای ساخت مدارس نظامیه عنوان شده (سلطان زاده، ۱۳۶۴: ۱۱۸) و از مدارس نظامیه به صورت پایگاه‌های مناسب برای پیشگیری از تبلیغات فاطمیان اسماعیلی یاد شده است (یعقوبی، ۱۳۹۴: ۴۸). علاوه بر انگیزه مبارزه با تعلیمات متمرکز فاطمیان در الأزهر، حتی احتمال داده‌اند که تقلید و اقتباس نظام‌الملک از ظواهر جامع الأزهر همچون سلسله مراتب مدرسان، نحوه پوشیدن لباس و نشستن بر نیمکت نیز به منظور مبارزه با الأزهر بوده است (مجتهدی، ۱۳۷۹: ۳۰۸).

باسورث نیز هدف از تأسیس نظامیه‌ها را تلاش خواجه برای ساخت نهادهای آموزشی در شرق جهان اسلام می‌داند تا تبدیل و همپایه نهادهای پر رونقی همچون مساجد و دارالعلم در اندلس و مصر باشد و بتواند با قدرت خلافت فاطمی در قاهره و تبلیغات گسترده آنان مقابله کند (باسورث، ۱۳۸۵: ۷۵).

۲-۱-۱- مقابله با اسماعیلیان ایران

یکی دیگر از انگیزه‌های مطرح شده در بسیاری از پژوهش‌های معاصر، مقابله با شیعیان به طور عام و مبارزه با اسماعیلیان ایران به صورت خاص است.

نفوذ روزافزون فرقه اسماعیلیه موسوم به شیعیان نزاری در ایران به رهبری حسن صباح (۴۴۵-۵۱۸ ق/ ۱۰۵۳-۱۱۲۴ م) که از نظر خواجه ناشی از فعالیت‌های آموزشی و تبلیغی داعیان فاطمی در مصر بود، به عقیده برخی از نویسندگان معاصر انگیزه‌ای قوی برای تأسیس نظامیه‌ها بوده است. نظام‌الملک، اسماعیلیان را که به گفته لمبتون با نفوذ خود در ایران، موجودیت دولت سلجوقی را تهدید می‌کردند (لمبتون، ۱۳۶۳: ۲۰) بزرگ‌ترین خطر برای وحدت سلاجقه و قدرت خلیفه عباسی می‌دانست (زرین کوب، ۱۳۵۳: ۸۱). اسماعیلیان در نظر سلاطین سلجوقی هم دشمن مذهبی و هم دشمن سیاسی آنان قلمداد می‌شدند (صفی، ۱۳۸۹: ۱۶ مقدمه). نگرانی شدید خواجه به عنوان مدافع سنت از این مسأله، در کنار اقدامات سیاسی و نظامی، او را به ساخت مدارس نظامیه ترغیب کرد به گونه‌ای که او صرف هرگونه هزینه‌ای برای نظامیه‌ها را همانند هزینه‌هایی که برای تقویت لشکر و توسعه قلمرو سلجوقیان انجام می‌شد، ضروری و لازم می‌دانست (باسورث، ۱۳۸۵: ۷۵؛ زرین کوب، ۱۳۵۳: ۸۱؛ آذرنوش، ۱۳۹۳: ۸۳). حتی برگزاری مجالس وعظ توسط وعاظ مدرسه در بین عامه مردم نیز با این هدف انجام می‌شد که تبلیغات باطنیان را خنثی ساخته و مانع گرایش خاص و عام به مذهب آنها شود (زرین کوب، ۱۳۵۳: ۸۳). بنابراین مدارس نظامیه برای مهار تهدیدات سیاسی و مذهبی اسماعیلیان علیه سلاجقه ساخته شد (صفی، ۱۳۸۹: ۱۶ مقدمه) و این مهم با تربیت افرادی مُبرَز و جدلی، که بتوانند جلوی پیشروی و گسترش تبلیغات و فعالیت‌های وسیع فرهنگی و اجتماعی پیروان اسماعیلی را سد نمایند، امکانپذیر شد (سلطان زاده، ۱۳۶۴: ۱۱۶؛ کسائی، ۱۳۷۴: ۷۳). برخی دیگر، هدف از تأسیس نظامیه‌ها را علاوه بر ایستادگی در برابر داعیان اسماعیلی و مجادلات مذهبی آنان، تلاش برای مجاب نمودن آنها و نشان دادن انحرافشان از دین بیان کرده‌اند (حسنین، ۱۳۸۹: ۸۰).

با این که هیچ اشاره مستقیمی به مدارس نظامیه در سیاست‌نامه نیست، به نظر می‌رسد مطالب بخش دوم این کتاب بیشترین نقش را در قبول رویکرد تقابل با اسماعیلیه و شیعیان داشته است. برخی تنها با استناد به عبارات تندی که درباره رافضیان، باطنیان یا شیعیان در کتاب به کار رفته است (نظام‌الملک، ۱۳۷۸: ۸۸، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۵۵)، آن را شاهی بر رویکرد مورد ادعای خود دانسته‌اند (زارعان، ۱۳۹۴، ۲۴۰).

۳-۱-۱- مقابله با شیعیان (اعم از امامیه و غیر آن)

انگیزه دیگری که در پژوهش‌های معاصر با تأکید فراوان عنوان شده، واکنش در برابر فعالیتهای شیعیان اعم از امامیه و غیر آن است، به گونه‌ای که مقاومت در برابر اندیشه شیعی را مهم‌ترین دلیل و هدف خواجه برای ساخت مدارس نظامیه ذکر کرده‌اند (تازی، ۲۰۱۸: ۶۷؛ زبیدی، ۱۴۲۴ق: مقدمه بر العقیده النظامیه، ۲۹).

برخی به اقدامات و تلاش‌های خواجه در طرد شیعیان و اسماعیلیان، جنبه حماسی داده و تصویری قهرمانانه از او به دست داده‌اند. چنانکه بلاشر (۱۹۰۰-۱۹۷۳ م)^۱، در مقدمه‌ای که بر کتاب التریبه و التعليم فی الاسلام تألیف اسعد طلس^۲ نگاشته، پس از بیان زمینه‌های فکری خواجه در مخالفت با شیعیان، خواجه را تنها کسی می‌داند که در این برهه از زمان موفق به طرد عناصر شیعی از دستگاه خلافت عباسی و مبارزه با مخالفان اهل سنت گردید. به عقیده بلاشر خواجه با تأسیس نظامیه بغداد، بزرگ‌ترین گام را در راه مبارزه با اسماعیلیه و شیعه برداشت. او به خوبی به اهمیت کارهای فرهنگی و تبلیغاتی در کنار مبارزات نظامی و سیاسی علیه شیعیان پی برده بود و با اتخاذ همان روشی که فاطمیان در پیش گرفته بودند به مقابله با آنان پرداخت (طلس، ۲۰۱۲، مقدمه بلاشر: ۲۶). شلبی هدف از تأسیس مدارس نظامیه را تبلیغی و واکنشی بر ضد تشیع آن سامان دانسته است. به گفته او هدف سلاطین سلجوقی جایگزینی شیوه تفکر سنی به جای مسلک خاص شیعه بود که نظام‌الملک با تأسیس مدارس نظامیه این هدف را محقق ساخت و بنیاد مدارس به این منظور هیچگاه درنگ نپذیرفت (شلبی، ۱۳۸۷: ۱۲۶).

1. Regis Blachèr.
2. As'ad Talass

تحریک سنی مذهب‌ان علی‌ه شیعیان و ترویج اصول و عقاید اهل سنت و رد اصول شیعی و به تعبیر بایارد داج مبارزه با مفاهیم انقلابی و بدعت‌آمیز اهل تشیع (داج، ۱۳۶۷: ۳۶) و به تعبیری مبارزه با افکار غیررسمی حکومتی (فلاح، ۱۳۸۳: ۸۱) از دیگر اهدافی است که در کنار هدفهای آموزشی و برنامه‌های سیاسی - مذهبی این مدارس عنوان شده است (نخستین، ۱۳۶۷: ۵۷ و ۱۱۰).

لمبتون که مدارس خراسان و از جمله نظامیه‌ها را سنگر مذهب سنت می‌داند، دلیل وجود آنها را ضرورت مبارزه با تبلیغ شیعه، اعم از اسماعیلی و دوازده امامی و سنیان مخالف آرای عمومی خانقاه‌های کرامیه عنوان کرده است (لمبتون، ۱۳۸۵: ۲۱۱). به نظر برخی دیگر این مدارس به شیوه‌ای نظام‌مند در پی تضمین پیروزی اصحاب حدیث و سنت بر اهل اعتزال و فرق مختلف شیعه بود (اشپولر، ۱۳۷۳، ج ۱: ۲۸۱).

۱-۲-۱- رویکرد هویتی

در برابر رویکرد تقابلی، منظور از رویکرد هویتی در این مقاله اقداماتی است که خواجه برای بهبود و تقویت بنیان‌های حکومت سلجوقی و مذهب سنی شافعی انجام داد^۱. تربیت کارگزاران سیاسی، ایجاد وحدت مذهبی در لوای مذهب شافعی و مشروعیت‌بخشی که پژوهشگران معاصر در زمره انگیزه‌های خواجه برای ساخت نظامیه‌ها عنوان کرده‌اند را می‌توان جزء رویکرد هویتی خواجه به شمار آورد.

۱-۲-۱-۱- تربیت کارگزاران سیاسی

تربیت کارگزاران سیاسی معتمد و کادرسازی برای دستگاه حاکم، از انگیزه‌های مطرح شده است. البته این هدف خود پیش زمینه تحقق اهداف بلندمدت خواجه نظام‌الملک بود. خاموش ساختن صدای مخالف دولت، ایجاد نظام متمرکز و واحد دولت سلجوقیان از طریق پیوند میان نهادهای حکومتی و مذهبی، حفظ و صیانت از مقام خلافت عباسی به عنوان نماد وحدت امت اسلامی، جلوگیری از پیشروی و گسترش تبلیغات وسیع پیروان اسماعیلی و داعیان فاطمی در شرق اسلام و ایجاد سدی مقاوم در برابر فعالیت‌های شیعیان اسماعیلی ایران از جمله اهداف تبعی ذکر شده در این پژوهش‌هاست.

۱. برای نمونه‌ای مشابه از همین رویکرد در تأسیس مدارس در دوره زنگیان، نگاه کنید به اشتری تفرشی، علیرضا و گودینی، مه‌ری، (۱۴۰۲)، «تحلیل پدیده گسترش مدارس در دمشق و حلب با تأکید بر دوره زنگیان؛ بر مبنای نظریه سرمایه‌بوردیو»، نشریه علمی علم و تمدن در اسلام، س ۴، ش ۱۵، صص ۳۳-۵۴.

خواجه جهت دستیابی به اهداف فوق، تمام امکانات شخصی و دولتی را در مدارس نظامیه به کار گرفت تا با پرورش و تربیت دانشمندان و نخبگانی صرفاً از میان پیروان فرقه شافعی، سررشته امور حساس دولتی را در آینده به آنان بسپارد (کسائی، ۱۳۷۴: ۷۳). دانش‌آموختگان این مدارس رسمی پس از فراغت از تحصیل عهده دار مناصب بالای حکومتی همچون قضاوت، وعظ و ... می‌شدند. آن‌ها وابسته به سلاطین سلجوقی و همواره موظف بودند ملاحظات سیاسی را رعایت نمایند (سلطان زاده، ۱۳۶۴: ۱۲۲). باسورث نیز کلید انگیزه‌های خواجه در تأسیس مدارس نظامیه را تربیت کارکنان معتمدی می‌داند که موظف بودند سیاست‌های نظام‌الملک را در سراسر امپراطوری سلجوقی به اجرا درآورند (باسورث، ۱۳۸۵: ۷۶). در کنار کارکرد تعلیم و تربیت در مدارس نظامیه، کارکرد دیگر آن، گونه‌ای مراقبت و پاییدن افراد بود که در آنجا فقیهان برجسته به مراقبت و تربیت فکری فقیهان جوانتر می‌پرداختند (صفی، ۱۳۸۹: ۸۶) تا آنان را جهت اجرای برنامه‌های دولت آماده سازند. برخی، روش نظام‌الملک را به سیاست سیستم‌های تک‌حزبی تشبیه کرده‌اند؛ چنانکه قدرت و نفوذ خود را در راه اعتلای آرمان‌های خویش ولو به ضرر اکثریت مردم به کار می‌گرفت و همه امکانات را در انحصار حزب حاکم قرار می‌داد (شجاع الدینی، ۱۳۸۷: ۲۶۰).

۲-۲-۱- ایجاد وحدت مذهبی در لوای مذهب شافعی

پی‌ریزی و ایجاد نظام متمرکز، کاهش و از بین بردن اختلافات مذهبی و ایجاد توازن میان جریانات اهل سنت و ایجاد وحدت مذهبی از دیگر اهداف و انگیزه‌های مطرح شده است. با حمایت سلاطین سلجوقی از مذهب حنفی و استقرار این مذهب، موازنه قدرت میان فرق مذهبی از بین رفت و خصومت‌های فرقه‌ای به اوج خود رسید (مادلونگ، ۱۳۸۷: ۷۱). از این رو خواجه به بازگرداندن و پایدار داشتن موازنه میان فرقه‌های مذهبی مختلف اقدام نمود (صفی، ۱۳۸۹: ۲۳۲). او برای نیل به این هدف، با رسمیت بخشیدن به مذهب شافعی و اختصاص مدارس نظامیه به طلاب و مدرسین شافعی در این زمینه گام برداشت (نجفی، ۱۴۰۱: ۱۲۲؛ دهقانی، ۱۳۹۳: ۵۷). مهدی نخستین که از مدارس نظامیه با عنوان «دانشگاه الهیات اسلامی» یاد می‌کند، مذهب را انگیزه اصلی در بنا کردن نظامیه‌ها می‌داند که هدفش آموزش قانون حقوقی فرقه شافعی بوده است (نخستین، ۱۳۶۷: ۶۰). برخی اندیشه ایرانی‌شهری نظام‌الملک را که متأثر از تفکر وحدت سیاسی در سایه وحدت دینی دوره ساسانی

بوده را در این امر دخیل دانسته‌اند، به گونه‌ای که خواجه در صدد بود تا با آموزش مذهبی متمرکز در مدارس نظامیه، ایرانی مستقل و یکپارچه به وجود آورد (نجفی، ۱۴۰۱: ۱۲۱).

۳-۲-۱- مشروعیت بخشی

القاء نیکواعتقادی و مشروعیت بخشی به حکومت سلاطین سلجوقی از دیگر انگیزه‌هایی است که از سوی تعدادی از نویسندگان مطرح شده است. لمبتون معتقد است که دیدگاه نظام‌الملک درباره مذهب عمدتاً فایده‌طلبانه بوده (لمبتون، ۱۳۸۵: ۲۰۸) و ساخت نظامیه‌ها در جهت تقویت و ضابطه بخشیدن به نهاد دین صورت گرفته است (لمبتون، ۱۳۸۵: ۲۱۱). به باور برخی دیگر، مدارس نظامیه ابزاری ایدئولوژیک در خدمت دولت سلجوقی بود که سلاجقه برای جبران کمبود مشروعیت خود از آن بهره برده‌اند (صفی، ۱۳۸۹):

۲۳۸، ۲۳۶، ۲۵، ۲۰، ۱۸) به گونه‌ای که خواجه در کنار اهداف سیاسی و فردی، با هدف صیانت از نیکواعتقادی و با این باور که سلاجقه همواره خود را بیگانه می‌دانستند، این مدارس را تأسیس کرد (رحیمی دشت آبادی و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۶۳).

دولت سلجوقی به دلیل عدم تمرکز قدرت و ساختار ایلیاتی، با مشکلات زیادی روبه‌رو بود و برای کسب مشروعیت، نیازمند تأیید گسترده علما و نهاد خلافت بود. خواجه با تأسیس مدارس نظامیه و تشویق آنها به علم و عالم پروری سعی کرد از این فرصت به نفع مشروعیت آنها بهره‌برد (رحیمی دشت آبادی و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۶۳).

۲- نقدهای کلی به مطالعات معاصر

مطالعات معاصر درباره انگیزه‌های تأسیس نظامیه‌ها، با وجود ارائه تحلیل‌های متنوع و گاه عمیق، دچار برخی کاستی‌های روش‌شناختی و محتوایی هستند که بازخوانی انتقادی آنها را ضروری می‌سازد. بسیاری از پژوهش‌های موجود، بدون اتکا به شواهد مستند در منابع کهن، برداشت‌هایی کلی درباره اهداف سیاسی، مذهبی یا آموزشی نظامیه‌ها به دست داده‌اند؛ حال آنکه بررسی دقیق متون تاریخی دوره سلجوقی، گاه نه تنها مؤید چنین ادعاهایی نیست، بلکه در مواردی در تقابل با آنها قرار می‌گیرد. افزون

بر این، برخی از این مطالعات با تکیه بر تفسیرهای گزینشی یا استنادهای ناقص به منابعی مانند سیاست‌نامه نظام‌الملک، تصویری یک سویه و گاه ایدئولوژیک از کارکرد این مدارس ارائه داده‌اند.

۱-۲- نبود شواهد در منابع کهن برای برخی از انگیزه‌های مطرح شده

با توجه به بررسی‌های انجام گرفته می‌توان گفت تقریباً در هیچ یک از منابع دست اول عصر سلجوقی و نظامیه‌ها و کتب طبقات و شرح حال که به زمانه وزیست نظام‌الملک پرداخته‌اند، به طور مستقیم درباره انگیزه‌های وی از تأسیس مدارس نظامیه سخنی به میان نیامده است. حتی در متونی همچون المنتظم (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۱۶: ۳۰۷-۳۰۲)، الکامل (ابن اثیر، ۱۴۰۷، ج ۱۰: ۲۱۰-۲۰۴)، تجارب-السلف (نخجوانی، ۱۳۱۳: ۲۶۶-۲۸۲) و طبقات الشافعیه الکبری (سبکی، ۱۴۱۳، ج ۴: ۳۲۵-۳۲۹) که اطلاعات مفصل‌تری از نظام‌الملک و اقدامات او به دست داده‌اند، رد پایی از بیان انگیزه‌های تأسیس نظامیه‌ها توسط وی مشاهده نشد. به نظر می‌رسد که عرف نگارش تاریخی در آن دوره بیشتر بر ثبت رویدادها و وقایع عینی متمرکز بوده و کمتر به انگیزه‌های درونی افراد توجه می‌کرده است. همین امر می‌تواند یکی از دلایل عدم شواهد صریح درباره انگیزه‌های نظام‌الملک از تأسیس نظامیه‌ها در متون اولیه باشد. بنابراین می‌توان چنین استدلال کرد که معاصران به هیچ گزارش تاریخی صریحی استناد نکرده‌اند. از سوی دیگر، مرجع اصلی اغلب آنها، آثار نورالله کسائی بوده است. انگیزه‌های مطرح شده در نگاشته‌های کسائی نیز صرفاً برگرفته از تحلیل اوضاع مذهبی، اجتماعی و سیاسی عصر خواجه و بدون استناد به متون اولیه است. بر این اساس می‌توان گفت انگیزه‌های مذکور در پژوهش‌های معاصر بیشتر حاصل تحلیل وضعیت عصر خواجه است تا اینکه مستند به متون تاریخی باشد.

۲-۲- گزارش‌های منابع کهن در تضاد با برخی از انگیزه‌های مطرح شده

مطالعه منابع تاریخی دوره سلجوقی نشان می‌دهد گزارش‌های موجود درباره انگیزه‌های نظام‌الملک از تأسیس مدارس نظامیه، بیشتر بر ابعاد علمی و دینی تأکید دارند تا انگیزه‌های سیاسی. شواهد اصلی این موضوع عبارت‌اند از:

نظام‌الملک در فصل اول سیاست‌نامه، با اشاره به وظایف پادشاه در ساخت بناهای عمومی، اهداف دینی و اخروی این اقدامات را بیان می‌کند. وی می‌نویسد: «برآوردن بناهای رفیع و نشستگاه‌های بدیع بجای آرد و بر شاهراه‌ها، رباط‌ها فرماید کردن و مدرسه‌ها از جهت طالبان علم تا آن نام همیشه او را

بماند و ثواب آن مصالح بدان جهان او را حاصل بود و دعای خیر پیوسته گردد» (نظام‌الملک، ۱۳۷۸: ۱۳). در این بیان، تأکید بر ماندگاری نام سازنده از طریق احداث مدارس قابل توجه است. این امر در انتخاب نام «نظامیه» برای مدارس تأسیس شده توسط وی مشهود است. پیش از این، نام‌گذاری مدارس عمدتاً بر اساس نام محله قرارگیری مدرسه یا نام استادی که مدرسه به افتخار او ساخته می‌شد، صورت می‌گرفت (اربابی و دیگران، ۱۴۰۳: ۴۵-۴۶).

در گزارش سراج‌الملوک، روایتی از گفتگوی ابوسعید صوفی، سازنده نظامیه بغداد، با نظام‌الملک نقل شده است که نشان‌دهنده اهمیت ماندگاری نام برای خواجه است. بر اساس این گزارش، هنگامی که ابوسعید برای حسابرسی هزینه‌های ساخت مدرسه به اصفهان فراخوانده شد، پیش‌تر خلیفه عباسی را با وعده ثبت نامش بر مدرسه همراه ساخته بود. در مواجهه با اعتراض خواجه درباره هزینه‌ها، ابوسعید تهدید به تغییر نام مدرسه کرد و خواجه در پاسخ گفت: «همه آن مال را به تو بخشیدیم، فقط نام مرا محو نکن». گرچه در پایان، طرطوشی اشاره می‌کند که پس از اتمام نظامیه بغداد، خواجه به مقام و شهرتی بی‌نظیر دست یافت (طرطوشی، ۱۴۱۵: ۳۵۹)، به نظر می‌رسد صحت این روایت مورد تردید باشد، چرا که با توجه به قدرت و جایگاه خواجه در دوران وزارت، چنین موضع ضعف‌آمیزی از جانب وی بعید به نظر می‌رسد. کسانی نیز این گزارش طرطوشی را رد کرده و آن را بی‌اساس دانسته است (کسانی، ۱۳۷۴: ۱۱۴).

در روایتی دیگر آمده است هنگامی که به خواجه درباره خیانت ابوسعید در هزینه‌های ساخت نظامیه گزارش دادند، وی بیشتر از هدر رفتن زمان و کیفیت ساخت ابراز نگرانی کرد تا مسائل مالی (نخجوانی، ۱۳۱۳: ۲۷۱-۲۷۰).

در فصل هشتم در اوایل سیاست‌نامه، تأمین نیازهای عالمان دین از وظایف اساسی پادشاه شمرده شده: «بر پادشاه واجب است در کار دین پژوهش کردن و فرایض و سنت و فرمان‌های خداوندی را به جای آوردن و علمای دین را حرمت داشتن و کفاف ایشان از بیت‌المال پدید آوردن» (نظام‌الملک، ۱۳۷۸: ۷۹). این نگرش در مواجهه خواجه با اتهاماتی که به او درباره هزینه‌های هنگفتی که برای مدارس خرج کرده‌بود نیز آشکار است. وی در پاسخ، به ملک‌شاه می‌گوید: «مدارس و رباط‌هایی که وقف کرده‌ام همه

در دنیا و آخرت برای توسل» (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۱۲: ۱۲۴). این می‌تواند نشان‌دهنده توجه وی به ابعاد اخروی این اقدامات باشد.

مدارک تاریخی بیانگر آن است که خواجه در پی ایجاد پایگاه مالی مستحکمی برای عالمان بود، چنانکه در گفتگو با آلبارسلان در نیشابور پیشنهاد کرد: «اگر سلطان اجازه دهد برای ایشان در هر شهری، مدرسه‌ای بنا کنیم و مستمری قرار دهیم تا به فراغت به تحصیل علوم پرداخته و به دوام دولت سلطانی قیام کنند» (قزوینی، ۱۹۹۸: ۴۱۲). همچنین در پاسخ به نامه ابواسحاق شیرازی درباره منازعات مذهبی بغداد، خواجه هدف از تأسیس نظامیه‌ها را «حمایت از سنت، تقویت ایمان و پرهیز از مجادلات فرقه‌ای» عنوان کرد (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۱۶: ۱۹۰)، هرچند این ادعا با سیاست‌های عملی وی در انحصار نظامیه‌ها به شافعیان در تناقض ظاهری است.

در تجارب السلف با اشاره به گسترش فعالیت‌های علمی نظامیه‌ها گزارش می‌کند: «اکثر اوقات فقها و فضیلاى نظامیه به اطراف ممالک می‌رفتند» (نخجوانی، ۱۳۱۳: ۲۷۰) که حاکی از نقش این مدارس در توسعه و انتشار علم در سرزمین‌های اسلامی بوده است. این شواهد در مجموع نشان‌دهنده اهداف چندبعدی نظام‌الملک از تأسیس نظامیه‌ها شامل حمایت از علمای دین، توسعه علمی و نیز کسب ثواب اخروی است.

۳-۲- استناد به متن سیاست‌نامه

پیش‌تر اشاره شد که کتاب سیاست‌نامه به عنوان یکی از منابع در بررسی انگیزه‌های تأسیس مدارس نظامیه مورد استناد پژوهشگران قرار گرفته است. این اثر که برخی محققان بر اساس آن، هدف اصلی خواجه را مقابله با شیعیان (اعم از دوازده امامی و دیگران) دانسته‌اند، خود موضوع چالش‌های علمی قابل توجهی است.

خواجه این کتاب را در سال‌های پایانی حیات خویش (۴۷۹ ق/ ۱۰۸۶ م)^۱ به درخواست ملک‌شاه تألیف نمود (نظام‌الملک، ۱۳۷۸: ۳). با توجه به دیدگاه محققانی مانند قزوینی که سیاست‌نامه را منبعی تاریخی و معتبر نمی‌دانند و معتقدند این اثر حاوی مطالب افسانه‌ای است که توسط «متأخرین متعصب

۱. برخی منابع دامنه تألیف این اثر را بین سال‌های ۴۷۹ تا ۴۸۴ ق ذکر کرده‌اند (راوندی، ۱۳۸۲، بخش ۱، ج ۸: ۳۴۱).

کذاب» به آن افزوده شده است (قزوینی، ۱۳۵۸، ج ۱: ۶۹)؛ ضروری است در استفاده از این اثر به عنوان منبع تاریخی با احتیاط و دقت بیشتری عمل شود. این تردیدها در اعتبار تاریخی سیاست‌نامه، لزوم بررسی تطبیقی با دیگر منابع معتبر عصر سلجوقی را بیش از پیش نمایان می‌سازد. در مورد انتساب این اثر به نظام‌الملک تردیدهای جدی وجود دارد. خیسमतولین در مقاله «جعل کتاب در قرون میانه» اشاره می‌کند که جعل و تحریف متون در دوره سلجوقی امری رایج بوده است (خیسमतولین، ۱۳۹۱: ۱۶). وی با بررسی سیاست‌نامه نتیجه می‌گیرد که این اثر در اصل، سندی مختصر با عنوان «مواضع‌نامه» بوده که توسط محمد مغربی (یا معزی، شاعر دربار) تحریف و گسترش یافته است. به ویژه یازده فصل پایانی کتاب که به نظر می‌رسد کاملاً ساخته ذهن مغربی باشد (خیسमतولین، ۱۳۹۱: ۱۰ و ۱۳).

ابوالحسنی نیز نشان می‌دهد که مندرجات ضد شیعی سیاست‌نامه احتمالاً الحاقی است. وی با استناد به منابع عصر سلجوقی مانند اثر عبدالجلیل قزوینی و راوندی (نیمه دوم قرن ششم) که هیچ اشاره‌ای به مطالب ضدشیعی سیاست‌نامه ندارند، نتیجه می‌گیرد که این مطالب حدود یک قرن و نیم پس از خواجه به کتاب اضافه شده است (ابوالحسنی، ۱۳۷۸: ۱۴۴).

دانشیار نیز با بررسی تناقضات و اغلاط تاریخی در سیاست‌نامه، بخش‌هایی از آن را معجول می‌داند. به ویژه فصول ۴۰ تا ۴۷، بخشی از سه فصل پایانی و سه حکایت پراکنده در فصول دیگر. وی انگیزه این تحریف را رقابت بین کارگزاران خراسانی و دیلمی در دولت سلجوقی می‌داند (دانشیار، ۱۳۸۸: ۵۴).

۳- نقد انگیزه‌های مطرح شده

۳-۱- نبود شواهد تاریخی برای تقابل نظامیه‌ها و الأزر

بررسی تطبیقی مدارس نظامیه و جامع الأزر بر اساس مستندات تاریخی نشان می‌دهد که نظام‌الملک نه در تقابل، بلکه با الهام از ساختار آموزشی الأزر به تأسیس نظامیه‌ها اقدام نمود. آثار مورخان از جمله ابن اثیر و ذهبی هیچ اشاره‌ای به رقابت میان این دو نهاد ندارند. در عوض، شواهد متقنی از تشابه ساختاری این مراکز وجود دارد که الگوگیری نظامیه‌ها از الأزر را تأیید می‌کند. از جمله این تشابهات می‌توان به پرداخت مقرری به طلاب (همانند حمایت مالی فاطمیان از دانشجویان الأزر)، تأمین

مسکن و امکانات رفاهی (وجود خوابگاه‌های مخصوص در هر دو نهاد)، ساختار اداری مشتمل بر ریاست مدرسه (شیخ) و کتابخانه‌های مجهز، تأکید بر علوم دینی با حمایت حکومت مرکزی و کارکرد سیاسی - مذهبی در تربیت نیروهای وفادار اشاره کرد. مقریزی (۱۴۱۸، ج ۴: ۵۴-۵۱) و داج (۱۳۶۷: ۱۴-۱۲) به تفصیل به این وجوه اشتراک پرداخته‌اند. از منظر تاریخی، افتتاح نظامیه بغداد در ۴۵۹ ق/ ۱۰۶۶ م، دقیقاً یک قرن پس از بنیان‌گذاری الأزهر در ۳۵۹ ق/ ۹۶۹ م صورت پذیرفت. در این زمان، به گزارش ابن اثیر (۱۳۸۵، ج ۱۰: ۲۳۵) و تأکید هاجسن (۱۳۸۵: ۴۰۲)، فاطمیان در حال افول بودند و الأزهر به عنوان نهادی وابسته به آنان، نفوذ سابق را نداشت. طغرل بیگ سلجوقی حتی خلیفه فاطمی، مستنصر (۴۲۷-۴۸۷ ق/ ۱۰۳۵-۱۰۹۴ م) را به اطاعت فراخواند (امین، ۱۳۸۵: ۸۸) و بدرالجمالی در سال ۴۶۶ ق/ ۱۰۷۳ م با تسلط بر دولت فاطمی، خلفا را به انزوا کشاند (هاجسن، ۱۳۸۵: ش: ۴۰۲). در طبقات ناصری (منهاج سراج، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۵۴) با اشاره به استقبال مردم مصر از ملک‌شاه، برتری سلجوقیان تأیید می‌شوند.

با توجه به این مستندات، به نظر می‌رسد نظام‌الملک نه از موضع تقابل، بلکه با الهام از موفقیت‌های الأزهر در دوران اوج فاطمیان، به ایجاد نهادی مشابه در جهان سنی اقدام نمود. همانگونه که الأزهر در خدمت اهداف فاطمیان بود، نظامیه‌ها نیز در راستای تحکیم مبانی فکری سلجوقیان و تثبیت مذهب رسمی عمل می‌کردند. این دیدگاه با تحلیل باسورث (۱۳۸۵: ۷۵) که خواجه را در پی ایجاد نهادهای آموزشی هم‌تراز با مراکز علمی جهان اسلام می‌داند، همخوانی کامل دارد.

۲-۳- ماهیت نظامی تقابل نظام‌الملک با اسماعیلیان ایران

تحلیل روابط سلجوقیان و نظام‌الملک با اسماعیلیان ایران نشان می‌دهد که ماهیت این تقابل عمدتاً سیاسی - نظامی بوده است، نه فرهنگی یا علمی. بنابراین نمی‌توان مدارس نظامیه را صرفاً واکنشی مستقیم به فعالیت‌های اسماعیلیان تفسیر کرد. اقدامات فرهنگی مانند تربیت نیروهای وفادار به حکومت یا تألیف کتابهای ضدفرقه‌ای، فرایندهایی زمان‌بر هستند که نتایج آن‌ها در بلندمدت ظاهر می‌شود. در مقابل، تهدیدات فاطمیان مصر و اسماعیلیان ایران، به‌ویژه پس از فتنه بساسیری که طی آن خطبه بغداد به نام مستنصر فاطمی (۴۸۷-۴۲۷ ق/ ۱۰۳۵-۱۰۹۴ م) خوانده شد، نیازمند پاسخ‌های فوری بود (نیشابوری، ۱۳۹۰: ۱۹؛ حسینی، ۱۳۸۰: ۵۷-۵۵). اگرچه این شورش در دوره طغرل سرکوب شد،

نگرانی از نفوذ داعیان فاطمی همچنان پابرجا بود. در چنین شرایطی، مقابله نظامی گزینه مؤثرتری نسبت به اقدامات فرهنگی با بازدهی دیررس محسوب می‌شد.

بر این اساس، هرچند نظام‌الملک اهداف خاصی از تأسیس مدارس نظامیه دنبال می‌کرد، نمی‌توان این نهادها را پاسخی به تهدیدات فرهنگی فاطمیان و اسماعیلیان ایران دانست، چرا که ماهیت درگیری‌های این دوره عمدتاً نظامی - سیاسی بود و اولویت حکومت سلجوقی، پاسخگویی فوری به بحران‌های امنیتی محسوب می‌شد.

روابط سلجوقیان و فاطمیان مصر ریشه در رقابت‌های سیاسی داشت، اما این تقابل با پیوند عمیق سلاجقه با خلافت عباسی بغداد - که خود در منازعه‌ای تاریخی با فاطمیان قرار داشت - تشدید می‌شد. سلجوقیان به عنوان حامیان رسمی عباسیان، مشروعیت فاطمیان را انکار کرده و این موضع را در سیاست‌های ضد اسماعیلی خود در ایران نیز اعمال می‌کردند (راوندی، ۱۳۸۲، ج ۹: ۵۳). نظام‌الملک با حمایت مطلق از مذهب شافعی و تلاش برای رسمیت بخشیدن به آن، فضایی ایجاد کرد که به سرکوب سیستماتیک دیگر مذاهب انجامید. با این وجود، مخالفت سلجوقیان با جنبش‌های شیعی، به ویژه باطنیه، بیش از آنکه انگیزه‌ای مذهبی داشته باشد، ناشی از ملاحظات امنیتی و حفظ تمامیت ارضی امپراتوری بود.

شواهد تاریخی حاکی از آن است که تا پیش از ظهور قدرت متمرکز اسماعیلیان تحت رهبری حسن صباح، سلجوقیان اقدامات فرهنگی قابل توجهی علیه این جریان انجام ندادند. رویکرد آنان عمدتاً واکنشی و نظامی بود، آن هم با هدف خنثی کردن فوری این تهدید امنیتی. بنداری اشاره می‌کند که نفوذ اسماعیلیان در دستگاه حکومت به حدی بود که سلاطین به نزدیکان خود نیز اطمینان نداشتند (بنداری، ۱۳۵۶: ۷۷). منابع تاریخی نیز از نگرانی شدید ملک‌شاه و نظام‌الملک در برابر فعالیت‌های تبلیغی و ترورهای سیاسی باطنیان گزارش می‌دهد، تا آنجا که ملک‌شاه همواره در بیم حملات احتمالی به سر می‌برد (ابن شادی، ۱۳۷۸: ۳۱۶). این وضعیت موجب شد حکومت سلجوقی تمام توان خود را برای نابودی حسن صباح و شبکه او بسیج کند. همانگونه که منابع ذکر کرده‌اند، نظام‌الملک «در جسم ماده فتنه و قطع مایه فتور بجد ایستاده بود و در تجهیز و تهیه عساکر به قمع و قهر ایشان مبالغت می‌نمود» (همدانی، ۱۳۸۷: ۱۰۸). حسن صباح حتی پیش از استقرار در الموت تحت تعقیب شدید

سلاجقه و شخص نظام‌الملک قرار داشت، تا آنجا که خواجه دستور دستگیری او را به حاکم ری صادر کرده بود، اما این اقدام به نتیجه نرسید (همدانی، ۱۳۸۷: ۱۰۳).

نخستین رویارویی نظامی جدی سلجوقیان با اسماعیلیان در سال ۴۸۵ ق/ ۱۰۹۲ م، مقارن با واپسین سال حیات نظام‌الملک و ملکشاه، صورت گرفت. در این سال، ملکشاه به پیشنهاد نظام‌الملک دو سپاه تحت فرماندهی ارسلانتاش و غزل سارغ برای مقابله با نزاریان الموت و کوهستان اعزام نمود. ارسلانتاش موفق به محاصره الموت شد، اما حسن صباح با کمک هوادارانش در طالقان، قزوین و رودبار، با اجرای عملیات غافلگیرانه سپاه او را درهم شکست. محاصره کوهستان نیز با خبر درگذشت ملکشاه ناتمام ماند و سپاه غزل سارغ متفرق گردید (همدانی، ۱۳۸۷: ۱۰۸؛ حلمی، ۱۳۸۳: ۱۰۲؛ نجفی، ۱۴۰۱: ۱۲۶).

از دیگر مؤیدات ماهیت نظامی این تقابل، تشکیلات ویژه غلامان نظامیه بود که نظام‌الملک ایجاد کرده بود. این نیروی نظامی شخصی که به «نظامیه» شهرت داشتند، نقش محوری در تحکیم قدرت و نفوذ خواجه ایفا می‌کرد (شهیدی پاک، ۱۳۹۵: ۳۵). راوندی این گروه را به عنوان لشکری وفادار به خواجه توصیف می‌کند که به صورت مخفیانه در امور سیاسی و نظامی فعالیت داشتند (راوندی، ۱۳۸۲، بخش ۱، ج ۴: ۳۳۲). منابع تاریخی از آماده‌سازی این نیروها برای عملیات‌های جنگی خارج از ساختار رسمی ارتش خبر می‌دهند. به نظر می‌رسد این تشکیلات نظامی مخفی، پاسخی سازمان‌یافته به شبکه نظامی باطنیان تحت رهبری حسن صباح بوده است (شهیدی پاک، ۱۳۹۵: ۳۶).

مقابله فرهنگی با اسماعیلیان شامل تبلیغات ضد آنان، اتهامات باطنی‌گری و تألیف کتب ردیه، عمدتاً به دوره اوج قدرت اسماعیلیه تحت رهبری حسن صباح مربوط می‌شود، زمانی که این جریان به تهدیدی جدی برای خلافت عباسی و حکومت سلجوقی تبدیل شده بود. این رویکرد در دوره پیش از تأسیس مدارس نظامیه، هنگامی که سلاجقه در موقعیت برتر بودند، مشاهده نمی‌شود. این شواهد نشان می‌دهد اقدامات فرهنگی ضد اسماعیلی پس از تأسیس نظامیه‌ها و در واکنش به قدرت در حال رشد آنان صورت گرفته است.

در دوره سلطان محمد تپر، سرکوب نظامی اسماعیلیان تشدید شد و نیروهای سلجوقی تا دروازه‌های الموت پیشروی کردند، اما موفق به فتح آن نشدند. پس از این دوره، اسماعیلیان با استقرار در الموت و

ایجاد دژهای متعدد در مناطق تحت نفوذ سلجوقیان، به تهدیدی سیاسی برای حکومت سلجوقی تبدیل شدند (قاسم‌پور، ۱۴۰۱: ۱۵۸).

۳-۳- تأسیس نظامیه‌ها پیش از اوج‌گیری فعالیت‌های اسماعیلیان

بررسی مستندات تاریخی نشان می‌دهد که ادعای تأسیس مدارس نظامیه به عنوان واکنشی به فعالیت‌های اسماعیلیان با چالش‌های جدی مواجه است. بر اساس گزارش‌های تاریخی، فعالیت اسماعیلیان در ایران در دوره سامانیان چشمگیر بود، چنانکه «در دوره نصر بن احمد سامانی (۳۰۱-۳۳۱ ق/ ۹۱۳-۹۴۲ م) توانستند حتی امیر سامانی را نیز به مذهب خود درآورند (اشپولر، ۱۳۷۳، ج ۱: ۳۱۶؛ جعفریان، ۱۳۸۸: ۳۴۴-۳۴۳). اما با ظهور سلاجقه، اوضاع نابسامانی برای شیعیان به طور عام رقم خورد و مجالی برای فعالیت‌های اسماعیلیان و گسترش نفوذ آنان باقی نماند (نجفی، ۱۴۰۱: ۱۱۲). آقسرائی (۱۳۶۲: ۲۲) به صراحت بیان می‌کند که حضور نظام‌الملک مانع از پیشرفت فعالیت اسماعیلیان می‌شد و خواجه «تدارک مصالح مسلمانان بر وجهی می‌کرد که هیچ صاحب فتنه در گوشه‌ای نمی‌توانست سربرآوردن. چون او در گذشت، ملاحده فتنه آغاز کردند». شیعیان از اواخر دوران ملک‌شاه که با ضعف قدرت و نفوذ نظام‌الملک همراه است به تدریج وارد دربار سلجوقیان شدند و شروع فعالیت‌های تبلیغی آنان از همین زمان است (راوندی، ۱۳۳۳: ۱۵۵؛ ابن شادی، ۱۳۷۸: ۳۱۵). قدرت‌گیری واقعی اسماعیلیان به رهبری حسن صباح در سال‌های ۴۷۳ ق/ ۱۰۸۰ م (بازگشت حسن صباح از مصر) و ۴۸۳ ق/ ۱۰۹۰ م (تشکیل حکومت الموت) رخ داد، یعنی سالها پس از تأسیس نظامیه‌ها. حسنین (۱۳۸۹: ۷۳) و هاجسن (۱۳۸۵: ۳۹۸) نیز تأکید می‌کنند که حسن صباح با استقرار در الموت، نخستین حکمرانی مستقل اسماعیلی را تشکیل داد و فضایی پر از رعب و وحشت در قلمرو سلجوقی ایجاد کرد.

نگارش ردیه‌ها علیه اسماعیلیان نیز مؤید این مدعاست که تقابل فرهنگی با این جریان مدتها پس از تأسیس نظامیه‌ها شکل گرفت. همانگونه که زرین‌کوب (۱۳۵۳: ۱۱۴) اشاره کرده، آثار غزالی مانند فضائح الباطنیه (۴۸۸ ق/ ۱۰۹۵ م) و القسطاس المستقیم (حدود ۴۹۹ ق/ ۱۱۰۵ م) سال‌ها پس از تأسیس نظامیه‌ها نگاشته شدند. غزالی در این آثار کوشید تا ضعف مبانی و سستی دعاوی باطنی‌ها را با بیان علمی نشان دهد (زرین‌کوب، ۱۳۵۳: ۲۲۱). نکته قابل توجه این که غزالی احتمالاً کتاب اول و

قطعاً کتاب دوم را پس از رها کردن نظامیه در سال ۴۸۸ ق/ ۱۰۹۵ م تألیف کرده است و نه در زمان تصدی کرسی تدریس در آن.

راوندی (۱۳۳۳: ۱۵۳) در توصیف مبارزه سلطان محمد (۴۹۸-۵۱۱ ق/ ۱۱۰۴-۱۱۱۷ م) با اسماعیلیان می‌نویسد: «در اعزاز دین و قهر و قمع ملاحده ملاعین مجدّد و مجاهد، در حفظ بیضه اسلامید بیضا نموده... بحقیقت اگر آن فتح بدست او برنیامدی از دین رمقی مانده بودی و از اسلام شفقی...». این گزارش‌ها به وضوح نشان می‌دهد که تقابل اصلی با اسماعیلیان در دوره‌های متأخرتر و به شکل نظامی صورت گرفته است، نه در قالب تأسیس نظامیه‌ها. می‌دانیم که مدارس نظامیه نه تنها بعد از خواجه از بین نرفت بلکه با توجه به اوقافی که داشت، دست کم تا قرن هشتم (یعنی حدود سه قرن بعد) به حیات خود ادامه داد. (ابن بطوطه، ۱۴۱۷، ۶۲) در نتیجه نمی‌توان قدرت‌گیری اسماعیلیه بعد از نظام‌الملک را به نبود مدارس نظامیه نسبت داد. بلکه حتی برعکس، این حاکی از آن است که مدارس نظامیه در این میان نقشی نداشته‌اند و تقویت اسماعیلیان به دلیل ضعف سیاسی و نظامی سلجوقیان بود وگرنه مدارس نظامیه همچنان به فعالیت خود ادامه دادند.

نکته تعیین‌کننده دیگر، انحصار نظامیه‌ها به شافعیان است. اگر هدف، مقابله با اسماعیلیان بود، منطقی نبود که در این مدارس از پذیرش پیروان دیگر مذاهب سنی ممانعت شود. این تحلیل با نظر باسورث (۱۳۸۵: ۷۵) که معتقد است «جنبش اسماعیلیه در ایران هرگز تهدید بزرگی نبود» همخوانی دارد.

۳-۴- تعامل نظام‌الملک با شیعیان

بررسی منابع تاریخی نشان می‌دهد که ادعای تأسیس مدارس نظامیه به عنوان ابزاری برای مقابله با شیعیان دوازده امامی با چالش‌های جدی مواجه است چرا که از یک سو این تقابل مستند ضعیفی دارد و از سوی دیگر گزارش‌های مختلفی از تعامل میان آنان در دست است و نه تقابل.

۱-۳-۴- نقد استناد به سیاست نامه

چنانکه پیش‌تر اشاره شد، تحلیل انتقادی سیاست‌نامه نظام‌الملک نشان می‌دهد که استدلال برخی پژوهشگران مبنی بر تقابل مذهبی نظامیه‌ها با شیعیان، عمدتاً متکی بر بخش‌هایی از این اثر است که به برخورد با شیعیان اشاره دارد. با این حال، مطالعات جدید مؤید آن است که این بخش‌ها احتمالاً الحاقی

بوده و با اهداف سیاسی خاصی به متن اصلی افزوده شده‌اند. این ادعا با شواهد متنی موجود در بخش‌های اصیل سیاست‌نامه تقویت می‌شود، جایی که نظام‌الملک به صراحت به ستایش امام علی (ع) و امام حسین (ع) پرداخته است (نظام‌الملک، ۱۳۷۸: ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۲، ۱۸۰). این تناقض محتوایی، اعتبار استناد به سیاست‌نامه برای اثبات تقابل مذهبی نظامیه‌ها با شیعیان را به چالش می‌کشد. افزون بر آن شواهد تاریخی هم تاییدی بر این موضوع است.

۲-۳-۴- تناقض‌های تاریخی

تحول سیاست سلجوقیان نسبت به شیعیان در دو دوره قابل بررسی است. نخست دوره طغرل که از آن می‌توان به دوره سرکوب مقطعی یاد کرد. در این دوره تنش‌های اولیه سلجوقیان با شیعیان ماهیت سیاسی داشت نه مذهبی، و ناشی از تلاش برای تثبیت قدرت بود. قیام بساسیری (۴۵۱ ق/ ۱۰۵۹ م) و مشارکت برخی شیعیان بغداد (منظور الاجداد، ۱۳۹۹: ۱۶۸) بهانه‌ای برای فشار بر شیعیان شد. البته نفوذ اهل سنت ایرانی در دربار طغرل (یعقوبی، ۱۳۹۴: ۲۵) در تشدید این سیاست مؤثر بود. منابع گزارش می‌دهند که مراسم مذهبی شیعیان تعطیل یا محدود شد (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۱۲: ۶۸؛ دهقانی، ۱۳۹۳: ۲۲۱). شیعیان در این دوره تحت فشار بودند و سلاجقه در اوج قدرت قرار داشتند (نیشابوری، ۱۳۹۰: ۲۳)، در نتیجه همانطور که می‌دانیم خبری از تأسیس نظامیه‌ها وجود ندارد زیرا ضرورتی برای تأسیس آن به عنوان ابزار مقابله با شیعیان وجود نداشت.

در دوره ملک‌شاه و وزارت نظام‌الملک، که از آن می‌توان به دوره مدارا یاد کرد، سیاست سلجوقیان نسبت به شیعیان دوازده امامی به شکل محسوسی تغییر یافت و بر مدارا و تسامح استوار شد. جعفریان (۱۳۸۸: ۳۹۳) تصریح می‌کند که سلجوقیان دشمنی خاصی با شیعه نداشتند، چرا که شیعیان امامیه در پی براندازی حکومت نبودند. برعکس، منابع متعدد از رشد نفوذ شیعیان در این دوره خبر می‌دهند. بارانی (۱۳۹۴: ۳۷) می‌نویسد: پس از روی کار آمدن سلجوقیان، شیعه کثرت یافت و عظمت پیش از هجوم غزنویان را در ری به دست آورد. قزوینی در النقص (۱۳۵۸: ۳۴-۳۸) نیز به مناطق شیعه‌نشین و مدارس فعال آنان اشاره دارد. روابط ملک‌شاه با شیعیان نمونه‌های بارزی دارد: ازدواج دخترش با اسپهبد علی شیعه (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۱۰۹)، اعتماد به مجدالملک قمی در حد وزارت (جعفریان، ۱۳۸۸:

۳۹۴)، و زیارت مزار ائمه در بغداد (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۱۵۶) و طوس (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۲۱۲).

نظام‌الملک نیز روابط نزدیکی با علمای شیعه داشت. قزوینی (۱۳۵۸: ۴۷۸) او را «سنی مصلح مشفق» می‌خواند و به ارتباط او با خواجه جعفر دوریستی اشاره می‌کند (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۱۴۳). وی به ستایش ائمه شیعه می‌پرداخت (نظام‌الملک، ۱۳۷۸: ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۲، ۱۸۰) و برای سادات احترام ویژه قائل بود (نظام‌الملک، ۱۳۷۸: ۱۵۹؛ نخبجوانی، ۱۳۱۳: ۲۶۷). وصلت خانوادگی خواجه با سید مرتضی قمی (قمی، ۱۳۶۳: ۱۰۷) نیز گواه این روابط حسنه است.

چگونه می‌توان پذیرفت که نظامیه‌ها برای مقابله با شیعیان تأسیس شده‌اند، در حالی که منابع تاریخی نشان می‌دهد شیعیان در همان دوره به قدرت قابل توجهی در دستگاه سلجوقی دست یافته‌اند؟ برخی از منابع تصریح می‌کنند که «در خانه همه ترکان، شیعیان حضور داشتند» (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۷۲-۷۱). همچنین مدارس فعال شیعیان در این دوره (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۳۸-۳۴) گواهی بر نفوذ گسترده آنان است. این در حالی است که نظامیه‌ها در اوج قدرت سلجوقیان و نظام‌الملک تأسیس شدند، زمانی که به راحتی می‌توانستند هر نیروی مخالفی را سرکوب کنند. چنین تناقضی اساس نظریه تقابل نظامیه‌ها با شیعیان را زیر سؤال می‌برد.

نتیجه‌گیری

بررسی انتقادی دیدگاه‌های معاصر درباره انگیزه‌های تأسیس مدارس نظامیه نشان می‌دهد که تحلیل‌های موجود عمدتاً در دو چارچوب «رویکرد تقابلی» (مقابله با فاطمیان، اسماعیلیان و شیعیان) و «رویکرد هویتی» (تربیت کارگزاران، وحدت مذهبی و مشروعیت‌بخشی) ارائه شده‌اند. با این حال، ارزیابی این دیدگاه‌ها بر اساس منابع دست‌اول تاریخی و شرایط سیاسی - مذهبی عصر نظام‌الملک، نقاط ضعف اساسی آنها را آشکار می‌سازد.

ادعای تقابل نظامیه‌ها با الأزر مصر با دو چالش اساسی مواجه است: نخست فاصله زمانی یک قرن بین تأسیس الأزر و نظامیه‌ها و دوم وجود شواهدی که نشان می‌دهد نظام‌الملک از ساختار آموزشی الأزر الگوبرداری کرده، نه اینکه با آن مقابله کند. از سوی دیگر، فعالیت‌های سیاسی - نظامی

اسماعیلیان ایران عمدتاً پس از تأسیس نظامیه‌ها و در اواخر عمر خواجه اوج گرفت که این امر فرضیه مقابله فرهنگی اولیه با آنان را زیر سؤال می‌برد. نخستین ردیه شناخته شده بر اسماعیلیان از سوی یکی از دست اندرکاران نظامیه به وسیله غزالی در سال ۴۸۸ ق/ ۱۰۹۵ م و ردیه دیگر در سال ۴۹۹ ق/ ۱۱۰۵ م نوشته شده یعنی بیش از ۳۰ سال بعد از تأسیس نظامیه‌ها بغداد. اگر هدف از تأسیس نظامیه‌ها تقابل با اسماعیلیان بود باید در همان سالهای نخستین تأسیس، شاهد حجم زیادی از کتابهای ردیه علیه اسماعیلیه می‌بودیم. بماند که غزالی احتمالاً کتاب اول و قطعاً کتاب دوم را پس از رها کردن تدریس و خروج از نظامیه تألیف کرده است. منابع تاریخی حاکی از روابط مبتنی بر مدارا و حتی همکاری بین سلجوقیان و شیعیان دوازده‌امامی در دوره ملکشاه است، که در قالب ازدواج‌های سیاسی، حمایت از علما و زیارت مراقد ائمه تجلی یافته است. همچنین انتساب مطالب ضدشیعی سیاست‌نامه به خواجه با تردیدهای جدی مواجه است.

کتابنامه

- آذرنوش، زهرا (۱۳۹۳)، «بررسی عملکرد سیاسی-مذهبی نظام‌الملک در جهت همراه کردن دین و دولت»، فصلنامه تاریخ پژوهی، ش ۶۰، صص ۷۳-۹۲.
- آقسرائی، محمودبن محمد (۱۳۶۲)، تاریخ سلاجقه یا مسامرة الاخبار و مسایرة الاخیار، تصحیح عثمان توران، اساطیر.
- ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم (۱۳۸۵)، الكامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر و دار بیروت.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۴۱۷)، رحلة ابن بطوطه (تحفة النظار فی غرائب الأمصار وعجائب الأسفار)، تحقیق عبدالهادی تازی، رباط: مطبوعات أكاديمية المملكة المغربية.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۲)، المنتظم فی تاریخ الملوك والأمم، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن شادی همدانی (۱۳۷۸)، مجمل التواریخ و القصص، تصحیح سیف‌الدین نجم‌آبادی و زیگفرید وبر، آلمان: دومونده نیکارهوزن.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷)، البداية و النهاية، بیروت: دار الفکر.

ابوالحسنی (منذر)، علی (۱۳۷۸)، «تحریف در متون و مصادر کهن توطئه مستمر دشمنان شیعه: مندرجات (ضد شیعی) سیاستنامه از آن خواجه نظام الملک نیست!»، فصلنامه کلام اسلامی، ش ۳۱، صص. ۱۴۰-۱۶۰. اربابی، ایمان، مجتهدی، مهدی، ثنائی، حمیدرضا (۱۴۰۳)، «تأسیس مدارس و نسبت آن با مساجد و خانه دانشمندان نقد دیدگاه‌های مقدسی و شَلَبی»، تاریخ و تمدن اسلامی، ش ۴۸، صص ۵۹-۲۳.

اشتری تفرشی، علیرضا و گودینی، مه‌ری (۱۴۰۲)، «تحلیل پدیده گسترش مدارس در دمشق و حلب با تأکید بر دوره زنگیان؛ بر مبنای نظریه سرمایه‌برداری»، نشریه علمی علم و تمدن در اسلام، سال چهارم، شماره ۱۵، صص

DOI: 10.22034/icrs.2023.179636.55-33

اشپولر، برتولد (۱۳۷۳)، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه جواد فلاطوری و مریم میراحمدی، تهران: علمی و فرهنگی.

امین، سیدحسن (۱۳۸۵)، وطن اسلامی از سلجوقیان تا صلیبیان، ترجمه عبدالحسین بینش، قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی.

بارانی، محمدرضا و نادریان، هدایت (۱۳۹۴)، «پراکندگی جغرافیایی امامیه در ایران دوره سلجوقی»، فصلنامه تاریخ اسلام، ش ۱، صص ۷۹-۳۱.

باسورث، ک. ا. (۱۳۸۵)، «تاریخ سیاسی و دودمانی ایران (۶۱۴-۳۹۰ هجری/۱۲۱۷-۱۰۰۰ میلادی)» در بویل، جی. آ.، تاریخ ایران کیمبریج، ج ۵: از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیر کبیر.

بنداری، فتح بن علی (۱۳۵۶)، تاریخ سلسله سلجوقی، ترجمه محمدحسین جلیلی کرمانشاهی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

تازی، عائشه (۲۰۱۸)، «الجهود العلمیه للوزير السلجوقی نظام الملک الطوسی فی مقاومة الوجود الشیعی بالمشرق الاسلامی خلال القرن (۵ ق/۱۱ م)»، الأكادیمیة للدراسات الإجماعیة و الإنسانیة، ج/قسم العلوم الإجماعیة، العدد ۱۹، صص ۷۹-۶۶.

جعفریان، رسول (۱۳۸۸)، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، تهران: نشر علم. زبیدی، محمد، (۱۴۲۴) [مقدمه بر]، جوینی، عبدالملک بن عبدالله، العقیده النظامیة، تصحیح محمد زبیدی، بیروت: دارسبیل الرشاد.

حسنین، عبدالنعیم محمد (۱۳۸۹)، ایران و عراق در عصر سلجوقی، ترجمه سیدجمال موسوی و عبدالرحیم قنوت، اصفهان: جهاددانشگاهی واحد اصفهان.

حسینی، صدرالدین ابوالحسن (۱۳۸۰)، زبدة التواریخ، اخبار الامراء و الملوك السلجوقیه، ترجمه رمضان علی روح الهی، تصحیح محمد نورالدین، تهران: ایل شاهسون بغدادی.

حلمی، احمد کمال‌الدین (۱۳۸۳)، دولت سلجوقیان، ترجمه عبدالله نصری طاهری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

خیسماتولین، الکسی ا. (۱۳۹۱)، «جعل کتاب در قرون میانه سیرالملوک (سیاست نامه) اثر نظام‌الملک»، کتاب ماه ادبیات، ش ۷۰، صص ۱۷-۴.

داج، بایارد (۱۳۶۷)، دانشگاه الازهر تاریخ هزار ساله تعلیمات عالی اسلامی، ترجمه آذرمیدخت مشایخ فریدنی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

دانشیار، مرتضی (۱۳۹۸)، «سیرالملوک نظام‌الملک: اغلاط، مجعولات و عامل آنها»، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، س ۵۲، ش ۱، صص ۵۷-۲۵. DOI: 10.22059/jhic.2020.277643.653985

دهقانی، محمد (۱۳۹۳)، بررسی تطبیقی رواداری مذهبی در عصر آل بویه و سلجوقیان، قم: نشر ادیان. راوندی، محمدبن علی بن سلیمان (۱۳۳۳)، راحة الصدور و آية السرور در تاریخ آل سلجوق، تصحیح محمد اقبال، کتابفروشی علی اکبر اعلمی.

راوندی، مرتضی (۱۳۸۲)، تاریخ اجتماعی ایران، تهران: نگاه.

رحیمی دشت آبادی، محسن و دیگران (۱۴۰۱)، «بررسی تمرکزگرایی مذهبی مبتنی بر نیکواعتقادی و بازخورد آن در مدارس نظامیه»، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ش ۳۱، صص ۳۷۵-۳۴۹. DOI: 10.22111/JHR.2022.37037.3037

زارعان، احمد (۱۳۹۴)، «مدارس نظامیه زمینه‌های شکل‌گیری تأثیرات اجتماعی و سیاسی آن»، فصلنامه تاریخ پژوهی، ش ۶۳، صص ۲۳۱-۲۵۶.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۵۳)، فرار از مدرسه درباره زندگی و اندیشه ابوحامد غزالی، تهران: انجمن آثار ملی.

سبکی، عبدالوهاب بن علی (۱۴۱۳)، طبقات الشافعية الكبرى، تحقیق محمود محمد طناحی و عبدالفتاح محمد حلو، هجر للطباعة والنشر والتوزيع.

سلطان زاده، حسین (۱۳۶۴)، تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تأسیس دارالفنون، تهران: آگاه.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۱۴۱۸)، حسن المحاضرة فی أخبار مصر و القاهرة، تصحیح خلیل عمران منصور، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- شجاع الدینی، محمد (۱۳۸۷)، «مدارس نظامیه» در آموزش عالی در گستره تاریخ و تمدن اسلامی، به اهتمام امیرحسین چیت سزایان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- شلبی، احمد (۱۳۸۷)، تاریخ آموزش در اسلام از آغاز تا فروپاشی ایوبیان در مصر، ترجمه محمدحسین ساکت، تهران: نشر نگاه معاصر.
- شهیدی پاک، محمدرضا (۱۳۹۵)، از جندی شاپور تا نظامیه آموزش و پرورش در ایران و اسلام سلجوقیان و جانشینان، قم: علویون.
- صفی، امید (۱۳۸۹)، سیاست/ دانش در جهان اسلام همسویی معرفت و ایدئولوژی در دوره سلجوقی، ترجمه مجتبی فاضلی، تهران: پژوهشکده و مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- طرطوشی، محمدبن محمد (۱۴۱۵)، سراج الملوک، تصحیح نعمان صالح صالح، ریاض: دار العاذریة للطباعة والنشر.
- طلس، أسعد محمد (۲۰۱۲)، التربية و التعليم في الإسلام، مصر، قاهره: مؤسسة هنداوي للتعليم والثقافة.
- عقدایی، تورج (۱۳۹۰)، «تعامل دین و سیاست در سیاست نامه»، فصلنامه تخصصی ادیان و عرفان، ش ۲۹، صص ۸۷-۱۱۲.
- غنیمه، [محمد] عبدالرحیم (۱۳۷۷)، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسائی، تهران: دانشگاه تهران.
- فلاح، مرتضی (۱۳۸۳)، «خواجہ نظام الملک سیاست در نامه، سیاست در عمل»، کاوش نامه، ش ۹، صص ۶۹-۹۳.
- قاسم پور، داوود (۱۴۰۱)، جریان‌های فکری در دوره سلجوقی مناسبات با قدرت سیاسی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- قزوینی، زکریابن محمد (۱۹۹۸)، آثار البلاد و اخبار العباد، بیروت: دارصادر.
- قزوینی رازی، عبدالجلیل (۱۳۵۸)، نقض معروف به بعضی مطالب النواصب فی نقض «بعض فضائح الروافض»، تصحیح میرجلال الدین محدث، تهران: انجمن آثار ملی.
- قزوینی، محمد (۱۳۵۸)، یادداشت‌های قزوینی، به کوشش ایرج افشار، تهران: علمی.
- قمی، نجم الدین ابوالرجاء (۱۳۶۳)، تاریخ الوزراء، تصحیح محمدتقی دانش پزوه، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی

کسائی، نورالله (۱۳۸۳)، فرهنگ نهادهای آموزشی ایران (از روزگار باستان تا تأسیس دولت صفوی)، تهران: دانشگاه تهران.

کسائی، نورالله (۱۳۷۴)، مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، تهران: امیر کبیر.

لمبتون، آن (۱۳۶۳)، سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام، ترجمه یعقوب آژند، تهران: چاپخانه سپهر.

لمبتن، آن (۱۳۷۲)، تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر نی.

لمبتون، آن (۱۳۸۵)، «ساختار درونی امپراتوری سلجوقی» در بویل، جی. آ.، تاریخ ایران کیمبریج، ج ۵: از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.

مادلونگ، ویلفرد (۱۳۸۷)، مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه، ترجمه جواد قاسمی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

مجتهدی، کریم (۱۳۷۹)، مدارس و دانشگاه‌های اسلامی و غربی در قرون وسطی، با همکاری حسین کلباسی، عبدالرزاق حسامی فر، حمید طالب زاده، محمد ایلخانی و سارا ایلخانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مقریزی، احمدبن علی (۱۴۱۸)، المواعظ و الإعتبار بذكر الخطط والآثار، بیروت: دارالکتب العلمیه. منظورالاجداد، سید محمد حسین (۱۳۹۹)، امامیه در عصر سلجوقیان، حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

منه‌اج سراج، عثمان بن محمد (۱۳۶۳)، طبقات ناصری، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب. نجفی، محمد، شادپور، حسن، اسماعیلی، محبوبه (زمستان ۱۴۰۱)، «عوامل تضاد میان اسماعیلیان و سلاجقه و نتایج و پیامدهای آن»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ، ش ۷۰، ص ۱۳۵-۱۱۲.

نخجوانی، هندوشاه بن سنجر (۱۳۱۳)، تجارب السلف، تصحیح عباس اقبال، تهران: مطبعه فردین. نخستین، مهدی (۱۳۶۷)، تاریخ سرچشمه‌های اسلامی آموزش و پرورش غرب، ترجمه عبدالله ظهیری، مشهد: آستان قدس رضوی.

نظام‌الملک، حسن بن علی (۱۳۷۸)، سیرالملوک، سیاست نامه خواجه نظام‌الملک، تصحیح هیوبرت دارک، تهران: علمی و فرهنگی.

نیشابوری، ظهیرالدین (۱۳۹۰)، سلجوقنامه، به انضمام ذیل سلجوقنامه ابوحامد محمدبن ابراهیم، تصحیح میرزا اسماعیل افشار «حمیدالملک» و محمد رمضان صاحب کلاله خاور، تهران: اساطیر.

هاجسن، م. ج. س (۱۳۸۵)، «دولت اسماعیلی»، در بویل، جی. آ.، تاریخ ایران کیمبریج، ج ۵: از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیر کبیر.

همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۸۷)، جامع التواریخ (اسماعیلیان)، تصحیح محمد روشن، تهران: میراث مکتوب.

یعقوبی، محمد طاهر (۱۳۹۴)، حیات علمی و فرهنگی شیعیان امامیه از قرن پنجم تا نیمه قرن هفتم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.